

جوان و دانشجویان بیشتر باشد و این، انتخاب بسیار به جایی بود. در شرایطی که دانشگاه و دانشجویان در معرض تهدید کمونیستها و گروههای الحادی بودند، مرحوم استاد مطهری و شهید بهشتی و شهید دکتر باهنر و شهید مفتاح با حضورشان در دانشگاه تحول عجیبی به وجود آوردند و مانع از این شدند که دانشجویان عزیز ما به گروهکها و ماسیونها و ملحدین و کمونیستها گرایش پیدا کنند. شهیدمفتاح در حقیقت پلی بودند بین روحانیت و

بنده با استاد بزرگوار شهید دکتر مفتاح از دوران اقامت در قم آشنایی داشتم و در درسهای مرحوم آیت الله محقق داماد و درس فقه ایشان و نیز درس اصول حضرت امام شرکت می‌کردیم.

البته سابقه ایشان قدمت دارد و چهارالی پنج سال جلوتر از بنده به حوزه تشریف آوردند و در درس خارج آقایان بزرگوار شرکت می‌کردند. بنده هم سالیان دراز در خدمت ایشان در این درسها بودم و در درس آیت الله العظمی بروجردی (رض) که بحث قضای فرمودند شرکت می‌کردم و معظم له هم سالها شرکت می‌کردند. در هر حال ارادت قلبی خاصی نسبت به ایشان داشتم و حضرت ایشان نیز به حقیر لطف و عنایت وافر داشتند. ایشان ضمن شرکت در محضر اساتید بزرگ، خودشان هم از مدرسین بودند و سطح عالی را تدریس می‌فرمودند و درس منظومه فلسفه ایشان یکی از درسهای پر جمعیت حوزه علمیه قم بود. برای منظومه منطق هم شرحی نوشته‌اند که شرحی بسیار خوب و عالی است و فکر می‌کنم در بین شروحی که برای منظومه مرحوم سبزواری نوشته شده اند، کم نظیر باشد و یا کم نظیر باشد.

ایمان ضمن شرکت در محضر اساتید بزرگ ، خودشان هم از مدرسین بودند و سطح عالی را تدریس می‌فرمودند و درس منظومه فلسفه ایشان یکی از درسهای پر جمعیت حوزه علمیه قم بود . برای منظومه منطق هم شرحی نوشته‌اند که شرحی بسیار خوب و عالی است و فکر می‌کنم در بین شروحی که برای منظومه مرحوم سبزواری نوشته شده اند، نظیر نداشته باشد و یا کم نظیر باشد.

دانشجویان، بین فیضیه و دانشگاه و لذا روز شهادت این بزرگوار مشهور شد به روز وحدت حوزه و دانشگاه، به خاطر خدماتی که به دانشگاه کردند و ترجیح می‌دادند در دانشگاه باشند و تدریس کنند تا معارف اسلامی از این طریق به گوش تحصیلکرده‌ها برسند.

□□□

ایشان خدمات زیادی در تهران داشتند، در منطقه‌ای که بنده بودم و خدمت ایشان زیاد می‌رسیدم. مسجد و منزل ما هم در همان منطقه ای بود که ایشان حضور داشتند. ابتدا در مسجد جاوید امامت فرمودند و مرکزی شده بود برای تجمع دانشجویان و نسل جوان، لذا سخنرانان خوبی را دعوت می‌کردند تا مسائل روز و انقلابی را مطرح کنند. بعد از مسجد جاوید منتقل شدند به مسجد قبا که در خیابان شریعتی است، تقریباً پشت حسینیه ارشاد. این مسجد قبا هم مرکزی شد برای انقلابیون. هم خودشان سخنرانیشان انقلابی بود و هم آقایانی که دعوت می‌کردند از شخصیت‌های متعهد به انقلاب بودند و حقیر هم این افتخار را داشتم که چند جلسه در آن مسجد سخنرانی داشته باشم. مرحوم شهید مطهری هم صحبت می‌کردند و در حقیقت مسجد قبا پایگاهی برای انقلابیون بود و از آنجا نطفه انقلاب بسته شد و مرکزی شد برای جمعیت انقلابی تهران.

□□□

در تأسیس جامعه روحانیت مبارز تهران، بنده در خدمت ایشان بودم. از همان روز اول که این جامعه تأسیس شد، بزرگانی مثل شهید مطهری، شهید بهشتی، شهید باهنر و از علما و فقهای فاضل، حضرت آیت الله آقای مهدوی کنی سلام اله تعالی و سایر بزرگان پایه‌گذار بودند و بنده هم جزو آنها بودم. مرحوم شهید بهشتی سهم به‌سزایی کردند



حجت الاسلام والمسلمین محسن مجتهد شبستری

درس فلسفه آواز پر جمعیت‌ترین دروس بود...





حادثه اصفهان و قیام و نهضت مردم متدین آن سامان که عمال رژیم شاه کشتار کردند، در جلسه‌ای در یکی از منازل علمای غرب تهران دور هم جمع شدیم. از جمله آقایان شهید مفتاح و شهید بهشتی هم و بیست و چند تن از علمای عالی‌مقام تهران حضور داشتند. بنده هم بودم. آن شب از همانجا با امام تماس حاصل شد و کسب تکلیف گردید. امام مطالبی فرمودند و دستوراتی دادند که ما یادداشت کردیم و قرار شد فردای آن شب در خدمت آیت‌الله امامی کاشانی اعلامیه‌ای تنظیم کنیم و در ادامه بیانات امام، جامعه روحانیت مبارز تهران، مردم مسلمان ایران را دعوت به مقاومت و استقامت و برنام‌هایی که امام فرمودند، بکنند. نزدیک‌های سحر، آن جلسه تمام شد. همین که از منزل خارج شدیم، دیدیم که منزل در محاصره است. برای بیست و چند نفر روحانی که آنجا بودند، شاید سی کامیون آورده بودند و صد‌ها سرباز آنجا را محاصره کرده بودند. ما را گرفتند و سوار کامیون‌ها کردند و بردند من هم مطالبی را از فرمایشات امام برای تنظیم اعلامیه آماده کرده بودم که در جیب داشتیم. آن کاغذ را مأموران در آوردند.

موضوع را با شهید مفتاح در میان گذاشتم. وقتی از میان سربازها رد می‌شدم، یک لگد هم خوردم و گفتم شما هم از این فیض برخوردار بودید یا نه؟ فرمودند نه. جریان را تعریف کردم و موضوع کاغذ را. فرمودند این لگد مال همان پیش‌نویس اعلامیه بود. این جزای نقدی بود. جزای بعدی چه خواهد بود، خدا می‌داند. سپس خندیدند و فرمودند در راه اسلام است. ما را آن شب بردند و نگه داشتند و سحری مختصری هم به ما دادند و روزه گرفتیم. فردا ظهر، نمازهای جماعت مساجد تهران تعطیل شدند. بیست و هفت نفر از آقایان به مساجدشان نرفته بودند و سروصدا در تهران پیچید. رژیم هم ترسید که ادامه این تعطیلی نمازها، کار به دستش بدهد و در ماه رمضان انفجار به وجود آید. حتی خبر دادند در آذربایجان هم قرار است بازار را به تبع دستگیری چند تن از علمای آذربایجان از جمله حقیر و آیت‌الله هادی خسروشاهی تعطیل کنند. خلاصه احساس کردند که انفجار پدید می‌آید، لذا بعد از ۱۸.۱۷ ساعت از ما عذرخواهی و آزادمان کردند. مرحوم شهید مفتاح فرمودند کاش این زندان طولانی می‌شد که اثر مثبت آن بیشتر می‌شد. در هر حال این هم یک خاطره بود در خدمت ایشان.

البته خدمات ایشان قبل از انقلاب خیلی زیاد است و به گردن انقلاب حق دارند. علاوه بر این از شخصیت‌های علمی و فقهی و فرهنگی و متعهد به انقلاب و آزادستان نسبت به امام فوق العاده بود. تا آنجا که می‌توانست خدمت کرد و بالاخره هم شهید شد.

* برگرفته از گفت و گوی منتشر نشده توسط حجت الاسلام دکتر حمید صبری.

نماز عید فطر در سال ۱۳۵۷ به امامت شهید مفتاح در قیصریه تهران برگزار شد. در بدو امر، آقایان جامعه روحانیت تصمیم گرفتند که یکی از اعضای جامعه روحانیت نماز عید فطر را اقامه کند و بعد از اقامه نماز راهپیمایی کنند. این تصمیم گرفته شد و جناب آقای دکتر مفتاح (رض) مسئولیت اقامه نماز عید فطر و خواندن خطبه‌های نماز و بیان کردن یک سلسله مطالب و همچنین افشاگری علیه رژیم ستمشاهی و ترسیم انقلاب اسلامی به رهبری امام را احل را قبول کردند و از عهده‌اش هم خوب برآمدند. جمعیت انبوهی آنجا شرکت کردند. خیلی بی‌سابقه بود. آقای مفتاح در بیابان قیصریه خطبه‌های داغ و جالب و جامعی ایراد فرمودند و بعد از سخنرانی شهید باهنر هم از قیصریه تا پیچ شمیران و میدان آزادی راهپیمایی شد. بنده حضور داشتم و لحظه به لحظه به جمعیت افزوده می‌شد. واقعاً بی‌نظیر بود. در این راهپیمایی برای اولین بار علیه شاه و نظام ستمشاهی شعار داده شد. با این جمعیت انبوه و با این راهپیمایی، در حقیقت رکود شکسته شد و پس از آن، راهپیمایی‌های دیگری انجام شدند، از جمله در ایام تاسوعا و عاشورا، ۱۷ شهریور و الی آخر، تا منجر شدند به پیروزی انقلاب عظیم اسلامی به رهبری امام خمینی (رض). در این زمینه هم شهید مفتاح، عالی عمل کردند و بیست‌هزار بودند و از این لحاظ هم بر گردن انقلاب حق دارند. نماز عید ایشان، نقطه عطفی در تاریخ انقلاب شکوهمند اسلامی ایران و شکل گرفتن این انقلاب بود.

در بازداشت ۲۷ نفر از علمای بزرگ تهران که در شب اول ماه مبارک رمضان اتفاق افتاد، در خدمت شهید مفتاح بودم که آن جریان واقع شد. خیلی خلاصه عرض می‌کنم، بعد از

جامعه روحانیت مبارز تهران دارند و از بنیانگزاران بودند. ایشان گاهی پیشنهادی می‌کردند که جلسات جامعه روحانیت در منزل ایشان تشکیل شود. آن زمان محلی انتخاب نشده بود و لذا جلسات جامعه سیار بودند و ایشان از همه پیشگام‌تر بودند و جلسات ابتدا در منزل ایشان برگزار شد. این تشکیلات از قبل از پیروزی انقلاب و حتی تا سالها بعد از آن، منشاء خدماتی بوده است و فعلاً هم هست. زمانی که امام را احل در نجف اشرف تشریف داشتند، شهید مفتاح و یا شهید مطهری و یا شهید بهشتی با امام تماس می‌گرفتند و نظرات امام را اخذ و به جامعه روحانیت مبارز تهران منتقل می‌کردند، سپس در جلسات مطرح و تصمیم‌گیری می‌شد و در ادامه بیانات امام، جامعه روحانیت بیانیه صادر می‌کرد. همه این بیانیه‌ها سرنوشت ساز و در سرنوشت انقلاب اسلامی بسیار موثر بودند.



ایشان گاهی پیشنهادی می‌کردند که جلسات جامعه روحانیت در منزل ایشان تشکیل شود. آن زمان محلی انتخاب نشده بود و ایشان از همه پیشگام‌تر بودند و جلسات ابتدا در منزل ایشان برگزار شد. این تشکیلات از قبل از پیروزی انقلاب و حتی تا سالها بعد از آن، منشاء خدماتی بوده است و فعلاً هم هست. زمانی که امام را احل در نجف اشرف تشریف داشتند، شهید مفتاح و یا شهید مطهری و یا شهید بهشتی با امام تماس می‌گرفتند و نظرات امام را اخذ و به جامعه روحانیت مبارز تهران منتقل می‌کردند.